

دایرةالمعارف دستبافته
عشایری و روستایی مناطق
بافت، رابر و آرزوئییه
(باتاکید بر طرح و نقش)

عقيل سيستانى





سرشناسه	:	سیستانی، عقیل، ۱۳۶۲
عنوان و نام پدیدآور	:	دایرةالمعارف دستبافته داری استان کرمان - جلد اول (مجموعه ۳ جلدی) / عقیل سیستانی
مشخصات نشر	:	تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری / اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمان، ۱۳۹۶
مشخصات ظاهری	:	۳۵۰ ص، مصور (رنگی) / ۲۱ × ۲۹ س.م.
شابک	:	دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۸۴۱۲-۶۷-۰۰؛ ج ۱: ۹۷۸-۶۰۰-۸۴۱۲-۶۸-۷-۰۰؛ ج ۲: ۹۷۸-۶۰۰-۸۴۱۲-۶۹-۴-۰۰؛ ج ۳: ۹۷۸-۶۰۰-۸۴۱۲-۷۰-۰۰
وضعیت فهرست نویسی	:	فیفا
موضوع	:	دستبافی، قالی و قالی بافی، گلیم، ایران، کرمان (استان)
موضوع	:	ایلات و عشایر، ایران، کرمان (استان)، صنایع
رده بندی کنگره	:	TT۸۴۸/س۹د۲۱۳۹۶
رده بندی دیویی	:	۷۴۶/۱۴
شماره کتابشناسی ملی	:	۴۷۷۵۸۲۵



دایرةالمعارف دستبافته داری استان کرمان - جلد اول:

دایرةالمعارف دستبافته عکاسی و روستایی مناطق بافت، رابر و آرزوئیه (با تأکید بر طرح و نقش)

تألیف و تصنیف: عقیل سیستانی

ناظر پروژه: نادره میزانی

عکاسان: عقیل سیستانی و حکیمه سیستانی

ویراستار: بهرام فرهنگدور

طراح جلد و صفحه آرا: حامد کریمی افشار

همکاران پژوهشی: مهلا میرزائی و مریم زارع

راهنمای تحقیق میدانی: چراغعلی حاج ابراهیمی

ویرایش تصاویر: زهرا خدائی

چاپ و صحافی: تندیس نقره ای [تهران]

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

چاپ اول: ۱۳۹۶

ناشر: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری - اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و

گردشگری استان کرمان

نشانی ناشر: تهران، خیابان امام خمینی، ابتدای خیابان سی تیر، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

دورنگار: ۰۲۱-۶۶۷۳۶۷۸۸

تلفن: ۰۲۱-۶۶۷۳۶۴۵۲-۶۰

رایانامه: publish@richt.ir

www.richt.ir

فروشگاه الکترونیکی کتاب: www.richtbook.ir

«تمام حقوق چاپ برای اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمان

و ناشر، محفوظ است.»

فهرست

۱..... سخن ناشر
 ۲..... سخن ناشر
 ۳..... دیباچه
 ۶..... طرح کتاب
 ۹..... فصل اول: منطقه بافت
 ۱۰..... بخش اول: وضعیت جغرافیایی و اقلیمی بافت
 ۱۰..... وجه تسمیه بافت
 ۱۲..... موقعیت تاریخی بافت
 ۱۳..... تقسیمات و تفکیک آبادی‌های بافت
 ۱۴..... موقعیت فرش‌بافی منطقه بافت
 ۱۹..... بخش دوم: معرفی طرح‌های رایج دستبافته منطقه بافت
 ۱۹..... ستاره‌ای
 ۲۰..... کتری/ بوته‌کتری
 ۲۳..... سماوری
 ۲۶..... جنگلی
 ۲۶..... طاووسی
 ۲۷..... شترمرغ/ مرغی
 ۲۹..... شیری
 ۳۰..... دوگل‌پاریزی
 ۳۲..... بالغ/ بالغ/ بالغ/ بالغ/ بالغ
 ۳۴..... سینی
 ۳۵..... گل‌کاغذی/ قتلو/ قتلویی/ گل‌قتلو
 ۳۶..... حشمت/ گل حشمت
 ۳۸..... حشمت محرابی
 ۳۸..... حشمت پنج‌ترنج
 ۳۹..... حشمت دوترنج
 ۳۹..... حشمت محرماتی
 ۳۹..... حشمت تلفیقی/ ترکیبی
 ۴۰..... ابری
 ۴۲..... بته‌مهتابی
 ۴۲..... خوشه‌انگوری/ پهلوی
 ۴۴..... بابابیگی/ بابابیگی
 ۴۷..... گلدانی
 ۴۹..... گلدانی ترنج‌دار
 ۵۰..... گلدانی جنگلی
 ۵۰..... گلدانی جانوری
 ۵۲..... گلدانی استکانی
 ۵۲..... بارک‌الله
 ۵۶..... تصویری
 ۵۸..... بندی
 ۵۹..... خشتی/ گل‌خشت
 ۶۱..... غبه/ گل‌غبه

۶۴	گل سرخ / گل فرنگ
۶۵	گل چیتی
۶۵	موسی خانی
۷۲	طرح غلط
۷۳	بته ای
۷۵	بته دنداندار
۷۷	بته بزرگ / کلانچ / کلانژ
۷۹	بته شاهی
۸۳	بته مادروپچه / مادرودختر / اتو
۸۴	بته دوقلو
۸۵	بته قبادخانی
۸۷	بته سروی
۸۹	ترنجی / ترنج دار
۹۳	ترنج منبری
۹۴	ترنج چهارپیر / ترنج هشت پیر
۹۶	سه ترنج بندی و دو ترنج بندی
۹۷	پنج ترنج
۱۰۱	ترنج لوزی
۱۰۲	ترنج راه راه / ترنج محرمات
۱۰۳	درختی
۱۰۴	ارگه ای / سه کله و پنج کله
۱۰۷	ارگه ای / ارگهی
۱۰۸	سه کله
۱۱۱	پنج کله
۱۱۴	شش کله
۱۱۵	هفت کله
۱۱۵	کف ساده
۱۱۶	ابرو باد
۱۱۸	راه راه / محرمات / خطی
۱۲۱	سم گاوی / آچاری
۱۲۲	سینه ریز
۱۲۴	لنگری بالدار / بندی گلریز
۱۲۵	پروانه ای
۱۲۶	بخش سوم: معرفی دستبافته ایلات و طوایف مستقل مناطق بافت، رابُر و اُرزوئیّه
۱۲۶	توشه دان
۱۲۷	مهم ترین ایلات و مناطق بافنده توشه دان
۱۲۸	توبره
۱۲۹	مهم ترین ایلات و مناطق بافنده توברה
۱۳۰	دست دان
۱۳۰	مهم ترین ایلات و مناطق بافنده دست دان
۱۳۲	آینه دان
۱۳۳	مهم ترین ایلات و مناطق بافنده آینه دان
۱۳۴	رکعت
۱۳۵	مهم ترین ایلات و مناطق بافنده رکعت
۱۳۶	خوره
۱۳۷	مهم ترین ایلات و مناطق بافنده خوره
۱۳۷	جوال / گاله

۱۳۸	مهم‌ترین ایلات و مناطق بافنده جوال/ گاله
۱۴۰	نمک‌دان
۱۴۲	درفش‌دان
۱۴۲	مهم‌ترین ایلات و مناطق بافنده درفش‌دان
۱۴۲	کشک‌دان
۱۴۳	مهم‌ترین ایلات و مناطق بافنده کشک‌دان
۱۴۶	جلک‌دان، دکارت‌دان، قاشق‌دان، قلیان‌دان و چیق‌دان
۱۴۶	جلک‌دان
۱۴۷	دکارت‌دان
۱۴۸	قاشق‌دان
۱۴۸	قلیان‌دان
۱۴۸	چیق‌دان
۱۴۹	خُرجین
۱۵۳	خُرجین آبکش
۱۵۴	خُرجین خوشاله/ مویی
۱۵۴	مهم‌ترین ایلات و مناطق بافنده خُرجین خوشاله
۱۵۵	خُرجین تزئینی
۱۵۵	مهم‌ترین ایلات و مناطق بافنده خُرجین تزئینی
۱۵۷	خُرجین ترک اسبی
۱۵۷	مهم‌ترین ایلات و مناطق بافنده خُرجین ترک اسبی
۱۵۷	خُرجین لُردی
۱۵۷	مهم‌ترین ایلات و مناطق بافنده خُرجین لُردی
۱۵۷	سفره
۱۵۸	سفره آردی و سفره نانی
۱۵۹	سفره کف‌ساده
۱۵۹	مهم‌ترین ایلات و مناطق بافنده سفره کف‌ساده
۱۶۰	سفره تک‌ترنج
۱۶۰	مهم‌ترین ایلات و مناطق بافنده تک‌ترنج
۱۶۱	سفره‌های چهارترنج و پنج‌ترنج
۱۶۲	سفره ابروباد
۱۶۳	مهم‌ترین ایلات و مناطق بافنده سفره ابروباد
۱۶۳	سفره ابروباد کف‌ساده
۱۶۳	مهم‌ترین ایلات و مناطق بافنده سفره ابروباد کف‌ساده
۱۶۴	سفره ابروباد تک‌ترنج
۱۶۴	مهم‌ترین ایلات و مناطق بافنده سفره ابروباد تک‌ترنج
۱۶۵	سفره‌های ابروباد پنج‌ترنج و ترنجی
۱۶۶	سفره دست‌ورخون
۱۶۶	مهم‌ترین ایلات و مناطق بافنده سفره دست‌ورخون
۱۶۸	سفره پیش‌انداز
۱۶۸	مهم‌ترین ایلات و مناطق بافنده سفره پیش‌انداز
۱۶۸	سفره‌آویز
۱۶۸	مهم‌ترین ایلات و مناطق بافنده سفره‌آویز
۱۶۹	بشقاب‌دان
۱۶۹	جاجیم
۱۷۰	مهم‌ترین ایلات و مناطق بافنده جاجیم
۱۷۱	مفرش
۱۷۱	جاقرآنی (قرآن‌دان)

۱۷۲	ننی و بند ننی
۱۷۳	مهم‌ترین ایلات و مناطق بافنده ننی
۱۷۳	روزینی
۱۷۴	جل اسب
۱۷۴	افسار یا اوسار
۱۷۵	نوار
۱۷۷	بخش چهارم: معرفی ایلات و طوایف بافنده منطقه بافت
۱۷۷	ایل افشار
۱۸۵	موقعیت فرش‌بافی ایل افشار
۱۹۷	ایل رائینی
۲۰۰	موقعیت فرش‌بافی ایل رائینی
۲۰۵	ایل لک/ لک بختیاری
۲۰۹	موقعیت فرش‌بافی ایل لک/ لک بختیاری
۲۱۵	ایل جبال‌بارز/ جبال‌بارزی
۲۱۶	موقعیت فرش‌بافی ایل جبال‌بارز
۲۲۲	طایفه مستقل سبزه‌بلوچ
۲۲۲	موقعیت فرش‌بافی طایفه مستقل سبزه‌بلوچ
۲۲۳	ایل پشتکوهی
۲۲۴	موقعیت فرش‌بافی ایل پشتکوهی
۲۲۶	طایفه مستقل گُرد سلاجقه
۲۲۶	طایفه مستقل ده‌میشی
۲۲۷	موقعیت فرش‌بافی طایفه مستقل ده‌میشی
۲۲۷	ایل مهنی
۲۲۸	موقعیت فرش‌بافی ایل مهنی
۲۲۸	ایل بلوچ
۲۲۹	موقعیت فرش‌بافی ایل بلوچ
۲۲۹	ایل لری
۲۳۰	موقعیت فرش‌بافی ایل لری
۲۳۱	ایل مهنی
۲۳۱	موقعیت فرش‌بافی ایل مهنی
۲۳۲	ایل بُچاقچی
۲۳۲	موقعیت فرش‌بافی ایل بُچاقچی
۲۳۲	ایل غُربا
۲۳۳	موقعیت فرش‌بافی ایل غُربا
۲۳۳	طایفه مستقل لُورک
۲۳۳	موقعیت فرش‌بافی طایفه مستقل لُورک
۲۳۴	فصل دوم: منطقه رابُر
۲۳۵	بخش اول: وضعیت جغرافیایی و اقلیمی رابُر
۲۳۵	وجه تسمیه رابُر
۲۳۶	موقعیت تاریخی رابُر
۲۳۶	تقسیم و تفکیک آبادی‌های رابُر
۲۳۷	موقعیت فرش‌بافی منطقه رابُر
۲۴۰	بخش دوم: معرفی طرح‌های رایج دستبافته منطقه رابُر
۲۴۰	سماوری
۲۴۱	گل‌چغندری
۲۴۳	گل‌سرخ/ گل‌فرنگ

۲۴۴	گلدانی گل سرخ
۲۴۵	گل چیتی
۲۴۶	گل کاغذی
۲۴۸	پاشتری / عیسی خانی
۲۴۹	گلدانی
۲۵۰	گلدانی ترنج دار
۲۵۱	گلدانی جانوری / گلدانی مرغی
۲۵۱	گلدانی دسته گلی
۲۵۲	گلدانی خرچنگی / خرچنگی
۲۵۲	ستاره ای
۲۵۳	بندی
۲۵۴	موسی خانی
۲۵۴	طرح غلط
۲۵۴	بته عبایی
۲۵۵	حشمت
۲۵۶	ابری
۲۵۷	گل سه پری
۲۵۸	بته ای
۲۵۸	بته دنداندار
۲۵۹	ترنجی
۲۵۹	پنج ترنج
۲۶۰	لاک پشتی
۲۶۱	تک ترنج
۲۶۱	تصویری
۲۶۲	ابروباد / ابرو باد
۲۶۳	ابروباد کف ساده
۲۶۳	ابروباد تک ترنج
۲۶۵	بخش سوم: معرفی ایلات و طوایف بافنده رائر
۲۶۵	ایل سلیمانی
۲۶۷	موقعیت فرش بافی ایل سلیمانی
۲۷۳	ایل لُری
۲۷۵	موقعیت فرش بافی ایل لُری
۲۸۰	طایفه مستقل قُتلو
۲۸۳	موقعیت فرش بافی طایفه مستقل قُتلو
۲۸۸	طایفه مستقل لُورک
۲۸۹	موقعیت فرش بافی طایفه مستقل لُورک
۲۹۳	ایل گُجمی
۲۹۴	موقعیت فرش بافی ایل گُجمی
۲۹۴	ایل آئینه ای
۲۹۷	موقعیت فرش بافی ایل آئینه ای
۲۹۸	ایل جبال بارز
۲۹۹	موقعیت فرش بافی ایل جبال بارز
۳۰۱	ایل مهینی
۳۰۱	موقعیت فرش بافی ایل مهینی
۳۰۲	ایل مهنی
۳۰۴	موقعیت فرش بافی ایل مهنی
۳۰۴	طایفه مستقل سبزه بلوچ

۳۰۵	موقعیت فرش‌بافی طایفه مستقل سبزه‌بلوچ
۳۰۵	طایفه مستقل گُرد سلاجقه
۳۰۶	موقعیت فرش‌بافی طایفه مستقل گُرد سلاجقه
۳۰۶	ایل غُربا
۳۰۶	موقعیت فرش‌بافی ایل غُربا
۳۰۶	طایفه شهابی
۳۰۶	موقعیت فرش‌بافی طایفه شهابی
۳۰۸	طایفه جهانشاهی جواران
۳۰۸	موقعیت فرش‌بافی طایفه جهانشاهی جواران
۳۰۹	فصل سوم: منطقه اُرزوئیه
۳۱۰	بخش اول: وضعیت جغرافیایی و اقلیمی اُرزوئیه
۳۱۰	وجه تسمیه اُرزوئیه
۳۱۱	موقعیت تاریخی اُرزوئیه
۳۱۲	تقسیمات و تفکیک آبادی‌های اُرزوئیه
۳۱۲	موقعیت فرش‌بافی منطقه اُرزوئیه
۳۱۴	بخش دوم: معرفی ایلات و طوایف بافنده منطقه اُرزوئیه
۳۱۴	ایل افشار
۳۱۵	موقعیت فرش‌بافی ایل افشار
۳۱۸	ایل کوهشاهی
۳۱۸	موقعیت فرش‌بافی ایل کوهشاهی
۳۱۸	ایل رائینی
۳۱۹	موقعیت فرش‌بافی ایل رائینی
۳۲۰	ایل لک بختیاری
۳۲۱	موقعیت فرش‌بافی ایل لک بختیاری
۳۲۲	ایل بلوچ
۳۲۲	موقعیت فرش‌بافی ایل بلوچ
۳۲۲	ایل مهنی
۳۲۳	موقعیت فرش‌بافی ایل مهنی
۳۲۳	ایل جبال‌بارز
۳۲۳	موقعیت فرش‌بافی ایل جبال‌بارز
۳۲۴	ایل پشتکوهی
۳۲۵	ایل لُری
۳۲۶	طایفه مستقل اسکندری
۳۲۶	ایل سلیمانی
۳۲۶	ایل بُچاقچی
۳۲۶	ایل جاویدان
۳۲۶	ایل طایفه مستقل سبزه‌بلوچ
۳۲۸	پی‌نوشت
۳۳۱	منابع و مآخذ

از گذشته تاکنون، در فراسوی مرزهای کشورمان، هرگاه سخن از هنر ایرانی به میان آمده، نام هنر ارزشمند قالی‌بافی یا بافندگی در ذهن و بر تارک هنرها، نقش بسته است - البته این بدان معنا نیست که دیگرهنرهای سنتی و صنایع دستی، همانند تزئینات معماری و بناهای تاریخی، سفال و سرامیک، نساجی سنتی، رودوزی سنتی و... از ارزش و اعتبار جهانی برخوردار نیستند؛ به این دلیل که قالی و گلیم ایران و همچنین استان کرمان، در عین تنوع و زیبایی، نمادی از آداب، رسوم و فرهنگ ایرانی است؛ گرچه درابتدا جنبه خودمصرفی داشته، ولی به مرور، جنبه تجاری بیشتری نسبت به دیگرهنرها پیدا کرده و قابل عرضه بوده است. درواقع، بعد از یک‌دهه تحقیق بر دستبافته شهری، عشایری و روستایی استان کرمان، باید گفت؛ والاترین هنر این استان، بافندگی است و کرمان، خالق زیباترین دستبافته‌ها به شمار می‌رود.

هنر بافندگی در نقاط مختلف، از ویژگی‌های گوناگونی برخوردار است: بالطبع دستبافته کرمان، نفیس‌ترین، زیباترین و متنوع‌ترین دستبافته ایران و جهان به شمار می‌رود. این جمله شاید قدری اغراق‌آمیز به نظر برسد؛ درعین حال، بسیاری از نویسندگان آن را برشته‌اند و اغلب تجار و خیرگان فرش، به آن باور دارند.

با مطالعه اسناد و مدارک صادرات قالی و دستبافته استان کرمان در دهه‌های گذشته، به این نتیجه رسیده‌ام که بخشی از دستبافته صادرشده در سده اخیر، قالی و دیگر دستبافته عشایری و روستایی بوده‌اند؛ به عبارتی، قالی/ دستبافته استان کرمان به سه نوع شهری، روستایی و عشایری بافت تقسیم می‌شود.

استان کرمان، به لحاظ تولید دستبافته، به سه منطقه شایسته / ایلیاتی‌نشین (ایلیاتی‌باف) و روستایی‌نشین - بافت، سیرجان، آروئیه، رابر، بردسیر، شهربابک، جیرفت، عنبرآباد، باجو، منوجان، فاریاب، قلعه‌گنج و رودبار جنوب - و شهری‌نشین (شهری‌باف) - راور، ماهان، کوهبنان، زرنده، رفاسجان، حیدار، گلباف و خود شهر کرمان و مناطق تحت پوشش - تقسیم می‌شود، که در کتاب حاضر، هدف ما صرفاً معرفی دستبافته مناطق عشایرنشین و روستانشین است.

استان کرمان بر اساس سرشماری ۱۳۶۶ دارای بیست‌وهشت ایل در ییلاق و قشلاق و چهل‌ودو طایفه مستقل در ییلاق و چهل طایفه مستقل در قشلاق بوده و بر اساس سرشماری سال ۱۳۷۷ با سی‌ویک ایل در ییلاق و قشلاق و پنجاه‌وهشت طایفه مستقل در ییلاق و پنجاه‌وپنج طایفه مستقل در قشلاق^[۱] بیشترین ایل و طایفه را در کشور دارد. این استان بعد از استان فارس، دومین منطقه‌ای است که بیشترین جمعیت عشایری را در خود جا داده.^[۲] استان کرمان، پهنه جغرافیایی، اقلیم گسترده و عظیمی دارد که آن را به یکی از پهناورترین و بزرگ‌ترین استان‌های کشور تبدیل کرده است.

درابتدا، لازم است که درباره دستبافته‌های استان کرمان - گلیمینه/ تخت‌باف و فرشینه/ پرزباف - مختصر شرحی بدهم. بافندگی - گلیمینه و فرشینه - از قدیم‌الایام نزد ایلات و طوایف بومی این اقلیم وجود داشته - برای

خلق ملزومات زندگی - و فنون آن سینه‌به‌سینه به نسل بعدی منتقل شده است. اگرچه تعیین تاریخچه دقیق بافندگی در این منطقه، به دلیل عدم وجود فرش رقم‌دار و قدیمی، حتی در یافته‌های باستان‌شناسان - به دلیل ضایع شدن پشم در گذر زمان - غیرممکن به نظر می‌رسد، اما مُسَلَّم است که ارتباط مستقیمی بین زندگی شبانی و گله‌داری با بافندگی وجود داشته. تاریخچه دقیق زندگی شبانی در منطقه کرمان (مناطق عشایری) نامشخص؛ ولی محرز است که با ورود عرب‌ها (در اوایل ورود اسلام به خاک ایران)، ترک‌ها (در دوره سلجوقی)، لُر‌ها (در دوره تیموری)، افشارها (در دوره‌های صفوی و افشار) و دیگر ایلات مهاجر (در دوره‌های زند و قاجار) در آنجا، بافندگی تشدید شده و قبل از آن، بدون شک بافندگی در بین طوایف بومی این منطقه، وجود داشته است. با این تفاسیر، استان کرمان، یکی از غنی‌ترین مناطق، به لحاظ تعدد قوم - ترک، کرد، لُر، بلوچ، عرب، فارس و ... - بوده است که در دوره‌های متوالی، به دلایل مختلفی، به این منطقه کوچ کرده یا کوچ داده شده‌اند. تعدد قوم، یکی از ویژگی‌های بالقوه این منطقه است؛ به همین دلیل، برخی از طرح‌ها و نقوش و تکنیک‌های به کار رفته در دستبافته عشایری این منطقه با دستبافته‌های آذربایجان، سیستان و بلوچستان، لرستان، فارس و ... مشابهت‌هایی دارد. گسترش و تداوم بافت و تنوع اقوام بافنده، موجب به وجود آمدن تنوع طرح، نقش، رنگ، تکنیک و دستبافته شده و به مرور این روند تغییر و در سده اخیر، تبدیل به منبع کسب درآمد شده است.

در ادامه، باید به دو نکته اشاره کنم؛ یکی، در مناطق عشایری و روستا نشین ایلایاتی‌باف استان کرمان، ایلات و طوایف هر منطقه، آداب، رسوم و فرهنگ خاصی دارند که با هم متفاوت است؛ هر کدام دستبافته‌ای دارند برگرفته از همین تنوع آداب، فرهنگ، اقلیم و هویت ارجحاً باید اذعان کنم که؛ امروزه دیگر فرش‌بافی در این منطقه مانند گذشته صورت نمی‌گیرد؛ از اوایل انقلاب، بافت بافندگی و گلیم‌فرش، جایگزین فرش‌بافی در بعضی از مناطق شده و در برخی از موارد، کار بافندگی کمرنگ شده است؛ دیگری، به مرور، با اسکان دائمی عشایر استان، این کار باعث شده، بسیاری از ملزومات جابه‌جایی ییلاق و قشلاق، سابقاً که تولید و به تدریج کمرنگ و در نهایت، کنار گذاشته شوند! از طرفی، یکجانشین شدن و گسترش جنبه اقتصادی و تجاری شدن دستبافته، باعث شده، نقوش از حالت بکر و انحصاری گذشته درآیند و به نوعی تعداد متنوعی طرح و نقش در ایلات مختلف بافته شوند (ایجاد این نقوش و طرح‌ها روی دستبافته در گذشته متناسب با سنت هرایل و به صورتی البداهه و ذهنی‌باف بود و هر منطقه و ایلی نقوش خودش را می‌بافت؛ بافنده هر ایل، گزینش و نوع رنگ‌بندی‌اش بر مبنای ذوق و علاقه شخصی بود و نقوش انتخابی‌اش متناسب با نوع بافت، حالت هندسی و تجریدی بوده است. ولی در سده اخیر، برخی از همین طرح و نقش، تا حدودی منحنی و طبیعت‌گرایانه شده‌اند).

همان‌طور که در بالا نیز اشاره شد، تنوع اقوام مختلف و استمرار فرش‌بافی و کوچ‌نشینی، باعث تنوع نقوش و تکنیک در این منطقه شده است. از طرفی، همین عامل باعث شده که استان کرمان، بین دیگر مناطق، غنی‌ترین تنوع دستبافته داری را از آن خود کند. اگرچه تاکنون این نوع دستبافته، آن‌چنان که شایسته و سزاوارش بوده، معرفی نشده و پژوهش ژرفی درباره ویژگی - نام و فلسفه طرح و نقش، سیر تنوع و تغییر و باور مردم و مهم‌ترین آن، یعنی هویت ایلات بافنده - و تنوع آن صورت نگرفته است.

پرداختن به دستبافته و روند شکل‌گیری آن، بدون در نظر گرفتن ایلات و طوایف - بافندگان - این منطقه، کاری بی‌اساس و بی‌هویت است؛ در نتیجه (از آنجایی که موضوع این کتاب صرفاً روایت تاریخ نیست)، سعی شد، مدخل قابل‌قبولی در این رابطه با ایلات همین منطقه پژوهش گردد؛ اگرچه درباره تاریخچه، منشأ و تیره و طایفه هریک اختلاف نظر زیادی وجود دارد. از طرفی، تشخیص تیره یا طایفه یا ایل بافنده دستبافته، کاری سخت و زمان‌بر و طاقت‌فرساست. برای همین، عمده‌زمان چنین پژوهشی صرف شناسایی و جمع‌آوری اطلاعات طرح و نقش و نمونه دستبافته هر ایل و طایفه بافنده مناطق مختلف این استان شد، که در کتاب حاضر، بخشی از همین اطلاعات ارزشمند منتشر می‌شود.

تنها نکته ظریف باقی‌مانده، این است که؛ اغلب دستبافته استان کرمان را، به واسطه تعدادی از بافندگان ایلات و طوایف غیرافشار - افشاری و غیرافشاری - به ایل افشار نسبت می‌دهند! این درست است که غنای طرح، نقش، خلاقیت و کیفیت بالای فرش بافته شده ایل افشار از دیگر ایلات استان کرمان، نمود بیشتری دارد و باعث شده، کار ایشان شناخته شده‌تر مشهورتر از دیگر ایلات - در داخل و خارج از کشور - گردد؛ ولی افشاری خواندن کلیه دستبافته عشایری این استان را اشتباه و بی‌انصافی در حق ایلات و طوایف دیگر باید دانست. شاید این تفکر غلط - افشاری خواندن کلیه دستبافته این خطه - نشأت گرفته از کمبود اطلاعات و بی‌توجهی و عدم شناخت دیگر ایلات و طوایف بافنده و دستبافته‌شان باشد؛ به طوری که گاهی تعدادی از دستبافته دیگر ایلات و طوایف استان را - که در این کتاب، هر منطقه تفکیک و معرفی شده - در رده کیفی و غنای طرح و نقش طوایف ایل افشار باید قرار داد. اگرچه بی‌انصافی است که به دلیل عدم شناخت و کمبود اطلاعات و سختی کار و زمان‌بر بودن، تحقیق خاص و جامعی روی ایلات و دستبافته سایر استان کرمان، صورت نگرفته است و همه را افشاری خوانده‌اند.

در همین رابطه، سیسیل ادواردز نوشته است؛ «قالیچه‌های عشایری و روستایی را نمی‌توان از یکدیگر باز شناخت؛ هردو نوع را می‌خرند و در بازارهای کرمان به فروش می‌رسانند و سپس به عنوان قالیچه‌های افشاری به کشورهای مغرب‌زمین حمل می‌کنند. و من [س.ا] نیز برای این فراورده همین نام «برزیده‌ام» (ادواردز، ۱۳۶۲، ۲۴۳).

پرویز تناولی در توضیح این مسأله آورده است؛ «پپیچیده‌ترین مسأله در این بخش از کتاب [افشار؛ دستبافته ایلات جنوب شرقی ایران]، تلاش برای پیدا کردن معیار و محک برای تشخیص فرش افشاری از غیرافشاری است؛ و این امر کار آسانی نیست. درهم آمیختگی فرش افشار و غیرافشار مدت‌هاست که ذهن فرش‌شناسان را به خود مشغول داشته و معدود کسانی را در این زمینه به تحقیق و چاره‌اندیشی واداشته است. یکی از این افراد، ادواردز است که پنجاه‌واندی سال پیش در کرمان بوده و اطلاعات بالارزشی از فرش آن منطقه به جا گذاشته است. ادواردز، پس از بررسی فرش کرمان، تشخیص فرش افشار از غیرافشار را امری مشکل یافت و چون راه به جایی نبرد، پیشنهاد کرد - مطابق معمول - فرش افشار و غیرافشار، همه افشاری نامیده شوند [Edwards, 1953, 213]. در عوض، هاسگو (Hosego)، که در دهه ۱۹۷۰ در ایران بود، با مشاهده این درهم آمیختگی توصیه کرد؛ تا زمانی که اطلاعات بیشتری در تشخیص فرش افشار از غیرافشار در دست نیست، از واژه عمومی منطقه کرمان استفاده شود [17]، (Housego, 1978)» (تனால்، ۱۳۸۹، ۲۷). همچنین، ایشان در کتاب نان و نمک نوشته است؛ «کار بررسی و شناسایی

دستبافته‌های عشایر کرمان در حال حاضر اگر دیر نشده باشد، اما بسیار مشکل و پیچیده است» (همان، ۱۳۷۰، ۲۲). البته یکی از مهم‌ترین راه‌های شناسایی دستبافته اقوام مختلف استان کرمان، از جمله مناطق بافت، آرزوئی و رابُر، طرح و نقش و تم رنگ‌بندی است، که درباره آن، در مبحث مربوط به هر منطقه و ایل، براساس نتایج تحقیق میدانی یک دهه‌ای، به تفصیل نوشته شده. فقط در این باره باید اضافه کنم؛ طرح و نقوش عشایری این منطقه، بیشتر شکل‌پردازی از چیزهایی بوده که در اطراف و محیط‌شان وجود داشته است. اگرچه به سادگی نمی‌توان پذیرفت - حتی در دوران گذشته - نقشی به یکباره، با توجه به ذهنیت بافنده، بر دستبافته ایجاد شده باشد. مُسَلَّم است که نقوش، در گذر زمان، از ساده به پیچیده، یک روند رو به تکاملی را - تاکنون - طی کرده‌اند. از طرفی، این نشان از قدمت چند هزار ساله چنین طرح و نقش‌هایی دارد و کماکان همین روند، در صورت استمرار بافندگی، ادامه خواهد داشت.

براساس تحقیق صورت گرفته، بسیاری از نقوش مذکور در این کتاب در بین ایلات و مناطق مختلف - به مرور - فراگیر شده‌اند و بافندگان هراقلیم، براساس ذهنیت، دیدگاه، پیشینه و اعتقادشان، آنها را به نام‌های مختلفی خوانده‌اند. بنابراین، در این مجموعه سعی شده، متداول‌ترین نام در شناسنامه نوشته شود (برای کسب اطلاعات بیشتر، درباره طرح، نقش مسیر تغییر و تفسیرشان به مدخلی به همین نام در کتاب دستبافته عشایری و روستایی و کتاب گلیم سیرجان - چاپ شده از سوی انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی و از همین نویسنده - مراجعه کنید). با علم به این که پژوهش و تحقیق در دوره دستبافته ایلات و طوایف بافنده استان کرمان، نیاز به تحقیق میدانی و حضور بین بافندگان و عشایر در مناطق عشایری داشته و این حضور و تحقیق نیاز به صرف وقت، انرژی و هزینه دارد، تاکنون پژوهش جامع و خاصی روی دستبافته ایلات منطقه بافت و همچنین آرزوئی و رابُر - جدای از کتاب افشار؛ دستبافته ایلات جنوب شرقی ایران به قلم پرویز تناولی و طرح پژوهشی دستبافته‌های ایل افشار استان کرمان و دستبافته‌های داری منطقه آرزوئی به قلم معصومه ابوطالبی‌پاریزی و کتاب فرش و صنایع دستی شهرستان بافت به قلم محسن شفیعی‌بافتی و ساره شهابی که رویکردی متفاوت از این مجموعه داشته‌اند - صورت نگرفته است.

طرح کتاب

تحقیق و تدوین کتاب حاضر این‌طور شکل گرفت که؛ نخست، به این باور رسیدم که، چنانچه فرش کرمان و درکل، ایران، مستندنگاری، ثبت و منتشر می‌شد، نه مسئولین و متولیان مربوطه نادیده‌اش می‌گرفتند و نه بیگانگان به این سادگی دست به کپی‌برداری و تقلید از آن می‌زدند؛ دوم، اهمیت چنین پژوهشی، با توجه به پتانسیل منطقه، جهت حفظ، ترویج، توسعه و ارتقای فرهنگ و سنت ارزشمند گذشته و ثبت و انتقال آن به آیندگان، لازم و جای خالی‌اش محسوس بود؛ سوم، وظیفه تحصیل، تحقیق و پژوهش و کار در حوزه هنرهای سنتی و صنایع دستی - چهار سال تحصیل در مقطع کارشناسی صنایع دستی و دو سال‌ونیم تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد هنر اسلامی و دو سال خدمت در واحد حفظ و احیای معاونت صنایع دستی و هنرهای سنتی

اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمان و ده سال تحقیق در زمینه هنرهای سنتی استان کرمان، به خصوص هنر بافندگی - برآنم داشت، بعد از شناخت از وضعیت ممکن، تصمیم بگیرم، بدین طریق - چاپ کتاب - دینم را به این حوزه ادا نمایم.

درکل، باید اذعان کنم که؛ فرش کرمان، درعین حال که متنوع ترین فرش ایران و دنیاست، نادیده گرفته شده و تحقیق جامعی درباره آن صورت نگرفته است؛ تا جایی که برخی نمونه فرش عشایری کرمان، برای تجار و فرشندگان بومی و غیربومی شناخته شده نیست! این نقوش و طرح ها، به مرور، سینه به سینه، انتقال یافته و در این انتقال، بسیاری از باورها و اعتقادات و حتی اسامی فراموش شده یا تغییر کرده است (در طی تحقیق میدانی، با مراجعه به تعدادی از بافندگان، متوجه شدم که برخی از چندوچون فلسفه این نقوش و طرح ها بی خبرند؛ و این نشان از همان فراموشی است که متأسفانه به فرش مختص نبوده و به دیگر حوزه ها نیز مربوط می شود. در نتیجه، این واقعیت تلخ را مُسجّل می نمایم که: مردم ایران هنوز به حفظ میراث شان بی توجهند).

درابتدا، حجم اصلی کتاب بر پایه هزار و سیصد صفحه تنظیم شد، که به دلیل محدودیت مالی، مجبور شدم فشرده اش کنم و آن را در یک مجموعه دوجلدی با هفتصد صفحه، دوباره تنظیم نمایم؛ اگرچه برخی از تصاویر موجود ارزش آن را داشت که در یک صفحه - تمام قد - پیش چشم خواننده قرار گیرد.

جلد اول، شامل دستبافته عشایری، روستایی، مناطق بافت، رابر و آرزوئیّه (رابر و آرزوئیّه در گذشته زیر نظر حوزه بافت بوده اند و در دهه های اخیر - براساس تقسیمات کشوری - به شهرستان مستقلی تبدیل شده اند) می شود؛

جلد دوم، شامل دستبافته عشایری و روستایی مناطق بردسیر، شهربابک، جیرفت، عنبرآباد، کهنوج، منوجان، قلعه گنج و رودبار جنوب است، که همراه این کتاب، چاپ می رسد؛

جلد سوم، شامل دستبافته عشایری و روستایی منطقه سیرجان است؛ با تأکید بر قدیمی ترین و بهترین دستبافته عشایری و روستایی، که چاپ شده است (البته دستبافته منطقه سیرجان دو مجلد جداگانه دارد، تحت عنوان دستبافته عشایری و روستایی سیرجان و گلیم سیرجان - به قلم مؤلف - از سوی انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی).

عناوین جلد اول، شامل دستبافته عشایری و روستایی مناطق بافت، رابر و آرزوئیّه، در سه جلد، به شرح زیر است:

فصل اول؛ منطقه بافت؛

بخش اول؛ وضعیت جغرافیایی و اقلیمی بافت؛

بخش دوم؛ معرفی طرح های رایج دستبافته منطقه بافت، شامل: موسی خانی، حشمت، حشمت محرابی، حشمت پنج ترنج، حشمت تلفیقی / ترکیبی، ابری، سه کله (تک ترنج، دوترنج، سه ترنج، چهارترنج و ...)، ارگه ای / ارگهی، پنج کله، شش کله، هفت کله، بته ای / بته جقه، بته دنداندار، بته بزرگ / کلانچ / کلانژ، بته سروی و ...؛

بخش سوم؛ معرفی دستبافته ایلات و طوایف مستقل مناطق بافت، رابر و آرزوئیّه، شامل: قالی، قالیچه، خُرجین، جل اسب، جلد قرآن / جافرآنی، دست دان، رکعت، آینه دان، توشه دان، مفرش، نمک دان، درفش دان، قاشق دان، چپق دان، جلک دان، توپره، جوال، خوره، کشک دان، سفره، بشقاب، سفره آویز، تنگ / نوار / بند، جاجیم، ننی و ... (به جز گلیم - برخی از دستبافته گلیمینه این مناطق در این مجلد آورده شده، ولی به طور کلی، گلیمینه مناطق عشایری و روستایی

استان کرمان، به قلم مؤلف، تحقیق شده است و در آینده نزدیک چاپ و منتشر می شود)؛

بخش چهارم؛ معرفی ایلات و طوایف بافنده منطقه بافت، شامل: ایلات افشار، رائینی، لک بختیاری/لک، لری، پشتکوهی، مهنی، مهنی، بلوچ و طوایف مستقل گُرد سلاجقه و ده‌میشی و...؛

فصل دوم؛ منطقه رابُر؛

بخش اول؛ وضعیت جغرافیایی و اقلیمی رابُر؛

بخش دوم؛ معرفی طرح‌های رایج دستبافته منطقه رابُر؛ شامل: سماوری، گل‌کاغذی، گل‌فرنگ، گل‌چیتی، گلدانی، بته‌عبایی، گل‌سه‌پری و ...؛

بخش سوم؛ معرفی ایلات و طوایف بافنده منطقه رابُر، شامل: ایلات لری، سلیمانی، جبال‌بارز/ جبال‌بارزی، گُچمی/ کوچمی، آئینه‌ای، مهنی، مهنی و طوایف مستقل لُورک، قُتلو و ...؛

فصل سوم؛ منطقه اُرزوئیه؛

بخش اول؛ وضعیت جغرافیایی و اقلیمی اُرزوئیه؛

بخش دوم؛ معرفی ایلات و طوایف بافنده منطقه اُرزوئیه، شامل: ایلات کوهشایی، لک بختیاری، رائینی، بلوچ، جبال‌بارز/ جبال‌بارزی، لری، مهنی، آئینه‌ای، سلیمانی، بُقاچچی، طایفه مستقل سبزه‌بلوچ و

از آنجایی که در این ده سال، تعداد عکس‌گزارشی گرفته‌شده در مناطق مختلف عشایری و روستایی در شهرستان‌های مختلف استان زیاد بوده و آوردن تکتک‌شان در این کتاب، میسر نبود، سعی کردم، مختصراً آنها را در حد دو - سه گزارش تصویری بیاورم و مابقی را، که ارزش تاریخی و مردم‌شناسی و اقلیم‌شناسی دارد، در فرصتی مناسب، در مجلدی جداگانه با وضعی همخوان، منتشر نمایم.

امیدوارم توانسته باشم گامی هرچند کوتاه در حفظ و احیا و معرفی دستبافته داری استان کرمان و مناطق بافت، رابُر و اُرزوئیه بردارم.

عقیل سیستانی